

## حوادث

## گفت و گو با یک آدمکش پشت میله های بازداشتگاه

# «جنایت»، «فرجام» «خیانت» بود!

**سید خلیل سجاد پور** - مردی که زن ۲۲ ساله ای را در

یک منزل اجاره ای به قتل رسانده بود، پس از چند ماه داستان سرایی های ساختگی در باره مرگ هولناک آن زن، بالاخره با مشاهده اسنادو مدارک انکارناپذیر، لب به اعتراف گشود و در حالی به ارتکاب جنایت اعتراف کرد که تاکنون مدعی بودن جوان خودکشی کرده‌است!

به گزارش اختصاصی خراسان، متهم این پرونده جنایی بعد از آن که به سوالات تخصصی قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) در پلیس آگاهی خراسان رضوی پاسخ داد و ابعاد دیگری از قتل زن جوان را فاش کرد، در حالی که مدام تکرار می کرد «جنایت من، نتیجه خیانت به همسر بود!» باخبرنگار خراسان نیز به گفت و گو نشست و پشت میله های بازداشتگاه به تشریح سرگذشت خود پرداخت. آن چه می خوانید حاصل گفت و گوی یک ساعت به آادمکشی است که بعد از دستگیری، از وقوع این جنایت وحشتناک ابر از پشیمانی می کند.

**نامت رامی گویی؟** مرتضی -گ هستم.

**سواد داری؟** بله! تا سوم راهنمایی (سیکل) درس خواندم.

**چند ساله هستی؟** ۳۵ سال دارم.

**کجا زندگی می کنی؟** دوران جوانی ام را در منطقه گلشهر مشهد گذراندم اما در یکی از روستاهای تربت جام به دنیا آمدم.

**چه شد که به مشهد مهاجرت کردی؟** پدرم منزلی را در کوی گلشهر خریده بود ولی خودشان در روستا زندگی می کردند. بعد از آن که ترک تحصیل کردم به همراه بر ادرم به مشهد آمدم و در همان خانه ای ساکن شدیم که پدرم خریده بود. در واقع برای کار کردن به مشهد آمدم. **شغلت چیست؟** من کار های مختلفی را تجربه کرده ام و شغل های زیادی داشتم اما آن زمان شاگرد گچ کاری بودم و به گچ کاری ساختمان مشغول شدم.

**متاهلی؟** بله! یک پسر هشت ساله هم دارم.

**چند سال قبل از دواج کردی؟** ۱۲ سال پیش بود که پای سفره عقد نشستم.

**همسرت از بستگان است؟** نه! غریبه بود.

**چگونه با هم آشنا شدید؟** در خیابان ا یک روز در قلعه ساختمان (شهرک شهید رجایی) ایستاده بودم که در یک لحظه دختری از مقابل چشمانم عبور کرد و من به او دل دادم. بلافاصله تعقیبش کردم تا این که نشانی منزلشان را پیدا کردم. بعد هم شماره تلفنش را گرفتم و به او زنگ دم. این آشنایی و تماس های تلفنی ۲ یا ۴ ماه طول کشید که بعد به خواستگاری اش رفتم و از دواج کردیم.

**معتادی؟** نه! اهل چیزی نیستم!

**یعنی سبگار هم نمی کنشی؟** نه سبگار نمی کشم ولی گاهی قرض های مخدر دار مانندتادون استفاده می کنم! **هنوز هم گچ کاری می کنی؟** نه! چندین سال در کار

تجارت پسته بودم ولی بعد یک کارواش راه اندازی کردم که درآمدم خوب بود.

**با زنی که او را به قتل رساندی، چگونه آشنا شدی؟**

حدود ۴ سال قبل زمانی که در کار پسته فعالیت داشتم، تعدادی از زنان و دختران ایرانی و اتباع خارجی را برای شکستن پسته استخدام کرده بودم. یک دستگاه خودروی اقساطی (لیزینگی) هم برای خودم خریدم ولی با آن خودرو مسافر کشی نیز می کردم به همین دلیل بعد از پایان کار برخی از کارگران را به منزل لشان می رساندم و کرایه می گرفتم. از سوی

دیگر شماره تلفنم را به مشتریان و کارگرانم می دادم که اگر نیاز به سفر درون شهری داشتند با من تماس بگیرند. آن زمان از «**ز**» (مقتول) در کوره های آجرپزی کار می کرد که چند بار با من تماس گرفت و من هم او را به محل کارش رساندم در این میان او از زندگی خودش می نالید و بر ابرام درددل می کرد که نتوانسته خودش همسرش را برای ازدواج انتخاب کند و بالاخره دچار مشکل شده و از همسرش طلاق گرفته است.

من هم که به حرف هایش گوش می دادم خیلی دلم به حالش سوخت و از سر دلسوزی به او پیام دادم و این گونه ارتباط ما آغاز شد.

**یعنی فقط به خاطر دلسوزی با او ارتباط داشتی یا وسوسه های شیطانی هم به سراغت آمده بود؟** البته نمی توانم دروغ بگویم ۱۰ در صد هم به خاطر خودم بود!

**نتیجه این ارتباط تلفنی چه شد؟** روابط ما هر روز بیشتر می شد تا این که با هم بیرون می رفتیم و او هم در آرایشگاه زنانه کار می کرد. خلاصه این ارتباط به جایی رسید که از سر دلسوزی تصمیم گرفتم برای او منزلی اجاره کنم! **اما آن زن متاهل بود، چگونه برایش خانه اجاره کردی؟** من نمی دانستم که او متاهل است به همین دلیل هم او را به عقد موقت خودم در آوردم.

**چند ماه قبل این تصمیم را گرفتی؟** حدود هشت ماه قبل بود که منزلی را در کوی پنجتن برایش رهن و اجاره کردم و زیر قولنامه نوشتم که پول رهن را بعد از پایان قرارداد از بنگاه املاک دریافت کند. همه لوازم زندگی هم برایش تهیه کردم ولی فریب خوردم!

**پشیمانی؟** خیلی زیاد! زندگی ام نابود شد هیچ گاه فکر نمی کردم که چنین سرنوشتی بر ابرم رقم بخورد.

اگر زمان به گذشته برگردد و دوباره در شرایطی قرار

بگیری که آن زن را سوار خودرو کرده ای! چه تصمیمی

می گیری؟ دیگر غلط می کنم که با توجیه دلسوزی خودم را فریب بدهم! همان جاپایم را روی ترمز می کوبم و او را از خودرو بیرون می اندازم! و هیچ گاه به حرف هایش توجهی نمی کنم!

**همسرت از ارتباط تو با آن زن جوان خبر داشت؟** بله! حدود ۳ ماه قبل یک بار مرا به همراه او دیده بود که مدتی از منزل قهر کرد و سپس از من تعهد گرفت که به او خیانت نکنم ولی...

**چرا به تعهد خودت پایبند نبودی؟** وسوسه های شیطان!

قول دادم آن زن را رها می کنم اما نتوانستم و بالاخره پیکرش را بیرون از منزل ببرم و آتش بزنم که شناسایی نشود اما قبل از آن پایکی از دوستانم که در نیروی انتظامی خدمت می کند، تماس گرفتم و به دروغ گفتم «زنی در خانه ام خودکشی کرده است!» که او هم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و قبل از آن که من بتوانم چاره ای برای رهایی از این وضعیت ببندیشم، پلیس از راه رسید که بعد هم دستگیر شدم.

**چه شد که بعد از گذشت ۱۰۰ روز از ماجرای قتل اعتراف کردی؟** دیگر هیچ راه گریزی نداشتم آن قدر اسناد و مدارک روی میز گذاشتم که خودم داستان سرایی هایم را باور نمی کردم!

**نقشه قتل را از قبل طراحی کرده بودی؟** نه! اتفاقی او را کشت!

**همسرت را هم ملاقات کردی؟** بله!

**چیزی نگفت؟** او سکوت کرد اما من گفتم! این سزای آهو ناله های توست که گریبان مرا گرفت! حلالم کن! **فکر نمی کنی به خاطر هوسرانی های خودت، زندگی و آینده خانواده ات را هم نابود کردی؟** درست است ولی آن زمان من هیچ وقت به این روزها فکر نمی کردم.

#### سابقه خبر

گزارش خراسان حاکی است، عصر روز نهم دی، خبر مرگ مشکوک یک زن جوان در کوی پنجتن مشهد، کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی را به محل کشف جسد کشاند. بررسی های تخصصی کارآگاهان که زیر نظر سرهنگ کارآگاه مهدی سلطانیان آغاز شده بود، آثاری از یک جنایت عمدی را به تصویر کشاند به همین دلیل با حضور د کتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد) در این منزل مسکونی، تحقیقات به تاریکخانه این پرونده جنایی کشید و مقام قضایی با کنار هم گذاشتن قطعات پازل به هم ریخته این جنایت، در حالی دستور بازداشت مرد ۳۵ ساله را صادر کرد که وی مدعی بود مقتول همسر صیغه ای اوست! او دست به خودکشی زده است! گزارش خراسان حاکی است، با انتقال متهم به پلیس آگاهی، بازجویی های فنی از وی به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) و باراهنمایی های قاضی دکتر صفری ادامه یافت تا این که متهم بعد از گذشت ۱۰۰ روز از این حادثه، تصمیم گرفت حقیقت ماجرا را بازگو کند. به همین دلیل او اوایل فروردین مقابل سرهنگ مرادی (افسر پرونده) نشست و در حالی به قتل زن ۲۲ ساله اعتراف کرد که مقام قضایی نیز در پلیس آگاهی حضور داشت.



تصویر متهم/ عکس: خراسان

## پس از گذشت ۵روز

## دختر جوان گمشده در جنگل های عباس آباد هنوز پیدا نشده است

افزود: ساعت ۲۲ شب مفقود شدن دختر ۲۵ ساله بومی منطقه به هلال احمر شهرستان اعلام شد و ۲ تیم عملیات این جمعیت از ساعت ۲۳ همان شب عملیات جست و جوا در جنگل های منطقه آغاز کردند.

وی ادامه داد: در پنج روز گذشته از این حادثه ۲ تیم امدادی با پیه کارگیری سه دستگاه خودروی کمک دار به علاوه تیم جست وجواز استان شامل ۲ قلاده سگ زنده یاب این جمعیت به همراه ۶۰ نفر از اهالی بومی عملیات جست وجوی شبانه روزی برای روش های پلیسی پیگیری و دنبال می شود.

<b>دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تعاونی توسعه و عمران اکیگران شهرستان زیرکوه</b> <p>ساعت ۱۶/۰۲/۱۴۰۱ در محل حسینیه سیدالشهدا حاجی آباد برگزار می شود.</p> <p>برگزار می باشد.</p> <p>از کلیه اعضاء دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این مجمع حضور به هم رسانند. ضمنا چنان چه عضو یا بنا به دلایلی نتواند شخصا حضور یابد می تواند با نماینده مجمع را دریافت نمایند. حداکثر آرای واکلتی هر عضو سه رای و هر فرد غیرعضو یک رای می باشد.</p> <p><b>دستور جلسه:</b> ۱-اجلال شرکت تعاونی</p>	<b>هیئت مدیره</b>
۱-۱۲۰۱۶۷۵۱۱/ج	

<b>آگهی فقدان سند مالکیت</b> - خانم فاطمه وفا واکالتا از طرف ورثه رجبعلی رحمانی به شماره وکالت ۸۱۵۲۳ مورخ ۱۶/۰۲/۱۳۹۹ دفتر خانه ۲۴ طرفیه با ارائه استنباطد حلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۱۴۰۰/۰۲/۲۴ مورخ ۱۶/۰۲/۱۳۹۹ قضایای صدور سند مالکیت المثنی مالکیت ۲۴۵ داگن شماع از ششداگن پلاک ۹ فرعی از ۱۵۵ - اصلی بخش ۶ طرفیه شاندیز را نموده که ششداگن پلاک فوق الذکر به نام رجبعلی رحمانی ذیل دفتر و طی صفحه ۱۸۱ به شماره ثبت ۲۴ ثبت و سند شماره ورفه ای صادر گردید و طی القاضاتی ۲۵۵ داگن به افراد غیر انتقال گردید لذا ۲۵۵ داگن برای نامیزد باقی مانده و فاقد بازداشت و رهن می باشد. حسب اعلام متقاضی سند المثنی از اثر سهل انکاری مفقود شده. در اجراء داده ۱۲۰ اصلاحی این امین قانون ثبت تراب در یک نوبت آگهی با چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراضی خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اعلام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م الف ۵۰۵- حسن ابوترابی- مدیر واحد ثبت حوزه ثبت ملک طرفیه شاندیز از طرف محمد ابیرانی	۱۴۰۱/۰۲/۱۶۷۶۶۴/ج
---	------------------

### آگهی مزایده واگذاری حمل متوفی توسط آمبولانس – مر حله اول

شهرداری آشفانه در نظر دارد از طریق سامانه ستاد به آدرس **www.setadiran.ir** جهت تامین آمبولانس حمل متوفی و طبق مشخصات ذیل با افراد واجد شرایط قرارداد تنظیم نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید قیمت پیشنهادی خود را اعلام نمایند.

**شرایط و مقررات:**

۱- ساعت کار به صورت شبانه روزی است.
۲- ارائه فیش مناقصه سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۶۶۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنوسد در سامانه بارگزاری شود).
۳- دیگر شرایط در متن قرارداد قید گردیده است.
۴- شرکت کننده متن قرارداد را مطالعه و تمام جوانب اسرا را بررسی نموده و با آگاهی کامل برگرد استعمال بهار ا تکمیل و امضا نماید.
۵- مدت قرارداد سه سال می باشد.
۶- شرکت کننده متعهد می گردد مبلغ پیشنهادی را در پایان هر ماه به حساب شهرداری واریز نماید.
۸- به مبلغ قرارداد سالیانه ۲۰ درصد اضافه می شود.
۹- کارت شناسایی وسیله نقلیه آمبولانس بوده و دارای برگ معاینه فنی و مورد شهرداری باشد.
۱۰- زمان انتشار اسناد مزایده در سامانه ساعت ۱۱ صبح مورخه ۱۳/۰۲/۱۴۰۱ می باشد.
۱۱- شهرداری ر رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
۱۲- هزینه آگهی روزنامه بر عهده برنده مزایده است.
۱۳- مهلت استناد: از ساعت ۱۱ تاریخ ۱۳/۰۲/۱۴۰۱ لغایت ۱۳/۰۲/۱۴۰۱ می باشد.
۱۴- آخرین مهلت بارگذاری اسناد در سامانه تا پایان وقت اداری مورخه ۱۳/۰۲/۱۴۰۱ می باشد.
۱۵- زمان بررسی نتایج مزایده ساعت ۱۴:۳۰ مورخه ۱۷/۰۲/۱۴۰۱ می باشد.

ردیف	شرح	مبلغ کارشناسی ماهیانه
۱	واگذاری حمل متوفی توسط آمبولانس به بخش خصوصی	۳۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال
<b>شهرداری آشفانه</b>		

یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۱

۱۵ رمضان ۱۴۴۳. شماره ۲۰۹۱۶

### خراسان روزنامه صبح ایران

#### در امتداد تاریکی

### راز خواستگار لورفت!

روزی که فهمیدم خواستگار دخترم در اروپا زندگی نکرده است و تعادل روحی و روانی ندارد خیلی محترمانه به او پاسخ منفی دادم اما...

به گزارش خراسان، زن ۴۲ ساله در حالی که ادعای کرد از مزاحمت ها و سماحت های خواستگار دخترم خسته شده ام در باره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاه مشهد گفت: ۱۱ سال قبل زمانی که دخترم هفت سال بیشتر نداشت من و همسرم از یکدیگر جدا شدیم چرا که از نظر اخلاقی هیچ تفاهمی بین ما نبود و همواره با یکدیگر درگیری داشتیم از آن روز به بعد منزلی اجاره کردم تا به طور مستقل دخترم را بزرگ کنم البته خانواده ام بسیار از نظر مالی به من کمک می کردند تا کمبودی در زندگی نداشته باشم خودم نیز در یک کارخانه تولیدی کار می کردم تا بتوانم امکانات رفاهی را برای دخترم تامین کنم. روزها به همین ترتیب سپری می شد تا این که سال گذشته از طریق یکی از همسایگان به یک مهمانی دعوت شدم در آن مهمانی برادر میزبان دخترم را دیدم و او را خواستگاری کرد. «آسیه» مدعی بود برادرش ۲۰ سال در استرالیا زندگی کرده است و در همان کشور مشغول به تحصیل بوده و اکنون قصد دارد در ایران زندگی کند من هم که سعادت و دخترم را می خواستم تقاضای خواستگاری اش را پذیرفتم و با جاری شدن صیغه محرمیت به دخترم اجازه داده ام تا «فرهاد» ارتباط داشته باشد و به قول معروف خصوصیات اخلاقی او را بیفتناسد. اما مدتی بعد دخترم ادعا کرد نامزدش که بارها دست به خودکشی زده است مدام از یاس و ناامیدی سخن می گوید و تعادل روحی و روانی ندارد. با وجود این چون خودم سابقه یک ازدواج ناموفق را داشتم این فرصت را به دخترم دادم تا در باره همسر آینده اش با دقت تحقیق کند. در این شرط چند بار از یک خط ناشناس در فضای مجازی به فرهاد پیام دادیم آن جا بود که فهمیدیم او با دختران دیگری نیز ارتباط عاشقانه دارد به همین دلیل یک روز به بهانه ای سیم کارت تلفنش را گرفتم و به صفحه تلگرامش رفتم آن جا بود که فهمیدم او با دختر دیگری نیز قصد از دواج دارد. با دیدن اوضاع اخلاقی نامناسب فرهاد خیلی مودبانه جواب منفی دادیم و از او عذرخواهی کردیم.
او روز بعد با یک سبد گل گران قیمت دوباره به خانه ما آمد اما من و دخترم قبول نکردیم که برای گفت و گو به منزلان بیاید او رفت ولی از روز بعد توهمین و فحاشی هایش شروع شد و اکنون مدام برای ما ایجاد مزاحمت می کند از سوی دیگر نیز متوجه شدیم او هیچ گاه در کشور استرالیا نبوده است بلکه مدتی را در ارمنستان به کارگری در یک رستوران مشغول بوده و...
گزارش خراسان حاکی است، به دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاه) رسیدگی کارشناسی به این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

**ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

#### حادثه در قاف



**فارس /** سرهنگ شریفی رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس راهور پایتخت از وقوع یک فقره تصادف و از گونی فوتی خودروی پژو ۲۰۶ در بزرگراه شهید کاظمی و جان باختن راننده ۴۰ ساله در محل حادثه در ساعت ۱۰ صبح دیروز خبر داد.

**\*فارس /** سرهنگ شریفی، رئیس

مرکز اطلاع رسانی پلیس راهور فاتب از وقوع تصادف مرگبار دو خودرو در تهران خبر داد و اظهار کرد: مقارن ساعت ۹:۲۰ دیروز در مسیر شمال به جنوب بزرگراه امام علی (ع) ، وانت مزدا در حاشیه بزرگراه متوقف بود که یک خودروی کوئیک به علت بی توجهی به جلو با وانت مزدا برخورد وراننده مزدا در محل فوت می کند.

**\*مهر /** شادی نیا سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی گفت: مسمومیت با گاز منوکسید کربن که بر اثر سوختن زغال در داخل چادر اتفاق افتاده بود، بامداد دیروز سه نفر از اعضای یک خانواده رادرورزقان به کام مرگ کشاند.
این حادثه یک پندجرو دوا ۴ ساله، یک مادر ۳۵ ساله و یک کودک هفت ساله جان خود را از دست دادند.

**\*ایرنا /** سرهنگ «محمد باقر قدم زاده» سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری چهار نفر خبر داد که با استفاده از دو خودروی سواری زورگیری می کردند.

**\*تسنیم /** منتهی که ۷ بار سابقه سرقت و حمل مواد مخدر را دارد، برای هشتمین بار به جرم زورگیری در محله خلیج فارس دستگیر شد.

**تو کلی /** سرهنگ علی رضایی رئیس پلیس راه شمال استان کرمان گفت: در ایام نوروز برای بیش از ۹۰ هزار راننده متخلف برگ جریمه صادر شده است.

**کرمانی /** سرهنگ فیروز بخت فرمانده انتظامی عنبرآباد از شناسایی و دستگیری عاملان نزاع دسته جمعی و مجروح شدن دوشهروند کمتر از یک ساعت توسط ماموران انتظامی خبر داد.
**تو کلی /** سرهنگ امیری فرمانده انتظامی کهنوج گفت: حضور ضربتی پلیس و اجرای طرح مهر، سارقان یک خودروی ۴۰۵ دررودان استان هرمزگان و یک وانت را ناکام گذاشت.
با توجه به فرار سارقان، سرخ های خوبی درزمینه هویت متهمان به دست آمده است.

**\*مهر /** سردار یحیی الهی فرمانده انتظامی لرستان از متلاشی شدن ۳ باند قاچاق سلاح